

۱۴۲۳۸۵۴



پژوهشکده آیت الله اسلام

سه روحانی دگراندیش
(ده لت آبادی، سنگلجی، حکمی زاده)

دکتر علیرضا ملائی توانی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۷



پژوهشکده تاریخ اسلام

سه روحانی دگراندیش (دولت آبادی، سنگلجی، حکمی زاده)

نوشته‌ی دکتر علیرضا ملاتی توانی

ناشر: پژوهشکده‌ی تاریخ اسلام

مدیر نشر: خلیل قویدل

چاپ اول، ۱۳۹۷

شمارگان، ۱۰۰۰

چاپ و صحافی: چاپ تقویم

ردیف انتشار: ۵۴

۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشکده‌ی تاریخ اسلام محفوظ است

خیابان ولیعصر (عج)، خیابان شهید آیت‌الله بهشتی، خیابان رستگاران، شهرور شرقی، شماره‌ی ۹
تلفن: ۳-۸۶۷۶۸۶۱ - ۸۶۷۶۸۶۰ - ۸۸۶۷۶۸۶۰ - ۸۸۶۷۶۸۶۰

سرشناسه:	ملاتی توانی، علیرضا، ۱۳۴۹-
عنوان و نام پدیدآور:	سه روحانی دگراندیش (دولت آبادی، سنگلجی، حکمی زاده) نوشته‌ی علیرضا ملاتی توانی.
مشخصات نشر:	تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری:	۳۸۰ ص.
فروست:	پژوهشکده تاریخ اسلام، ۵۴.
شابک:	۵-۲۶-۷۳۹۸-۶۰۰-۹۷۸-۵۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	کتابنامه: ص. [۳۴۷] - ۲۶۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت:	نماینه
موضوع:	مجتهدان و علما - ایران - فعالیت‌های سیاسی
موضوع:	دولت‌آبادی، یحیی، ۱۳۲۱ - ۱۳۱۸.
موضوع:	شریعت سنگلجی، محمدحسن - ۱۳۲۳.
موضوع:	حکمی‌زاده، علی‌اکبر
موضوع:	روحانیت - ایران - فعالیت‌های سیاسی
موضوع:	مجتهدان و علما - ایران - سرگذشتنامه
موضوع:	اسلام و سیاست - ایران - تاریخ - قرن ۱۳-۱۴ق.
موضوع:	ایران - تاریخ - انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ق. - روحانیت
موضوع:	ایران - تاریخ - قاجاریان، ۱۱۹۲ - ۱۳۲۴ق. - روحانیت
موضوع:	ایران - تاریخ - پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰ - روحانیت
شناسه افزوده:	پژوهشکده تاریخ اسلام
رده بندی کنگره:	۱۳۹۵ج۹/م۷/۲/۲۹۷/۹۶۶ BP55
رده بندی دیویی:	۲۹۷/۹۶۶
شماره کتابشناسی ملی:	۲۲۱۱۲۲۱

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۵
بخش اول: بستر تاریخی و درآمدی نظری بر موضوع.....	۲۳
فصل اول: رویکرد نظری.....	۲۵
دین‌شناسی.....	۲۵
عناصر و مؤلفه‌های اصلی در تعریف دین.....	۲۹
انواع دین.....	۳۱
انحصارگرایی دینی و شمول‌گرایی دینی (نکترگرایی دینی).....	۳۲
دین و گفت‌وگوی بین‌ادیانی.....	۳۳
علم و دین.....	۳۴
عقل و دین.....	۳۶
دایره و قلمروی کلام الهی.....	۳۸
عرفی شدن یا دنیاگرایی (سکولاریسم).....	۴۰

- رہیافت‌های گوناگون به دین و نقش معرفت‌های دیگر در فهم یا تحول فهم دینی ۴۱
- نارسایی قرائت سنتی از دین و ضرورت اصلاح دینی (دگراندیشی) ۴۵
- پیامدهای یکسان انگاشتن دین و معرفت دینی ۵۲
- نگاه برون‌دینی و نگاه درون‌دینی ۵۴

فصل دوم: بستر سیاسی - تاریخی ۵۷

- طرح موضوع ۵۷
- چهار بخش و از گونه: تقدم دولت مشروطه بر دولت مطلقه در ایران ۵۷
- ویشی‌های حکومت پهلوی ۶۱
- ارتش ۶۲
۲. غرب‌گرایی ۶۳
۳. فضای فکری و فرهنگی ۶۴
۴. نظام آموزشی ایران ۶۵
۵. تغییر اجتماعی و بهبود نقش زنان در جامعه ۶۸
- چند دگرگونی دیگر ۷۳
- لباس متحدالشکل: تغییر پوشش مردسا ۷۳
- کاهش نفوذ اجتماعی روحانی‌ها ۷۷
- اصلاحات و خرافه‌زدایی دینی ۸۰
- مؤسسه‌ی وعظ و خطابه و سازمان پرورش افکار ۸۲
- نوسازی‌های قضایی ۸۳
- دسته‌بندی روحانی‌های عهد رضاشاه ۸۴
- وضعیت اجتماعی - اقتصادی روحانیان ۸۵
- نوسازی دینی و اقدام‌ها روشن‌فکرهای سکولار ۸۸
- دگراندیشی دینی ۹۰

بخش دوم: یحیی دولت‌آبادی: منادی آموزش‌های نوین و نقد رفتار روحانی‌ها ۹۳

فصل اول: زندگی‌نامه‌ی دولت‌آبادی و ندای تعلیم و تربیت نوین ۹۵

الف) زندگی در پرتوی روحانیت ۹۵

۱. تولد، خاندان و محیط پرورش ۹۵

۲. زندگی در تهران و تحول در اندیشه ۹۸

۳. گشت به اصفهان و آشنایی با اندیشه‌های جدید ۱۰۰

۴. سفر به مکه و تحصیل در عتبات ۱۰۲

۵. انتخاب شغل آینده ۱۰۴

۶. بیماری و با ۱۰۶

۷. مداخله‌ی بیگانگان در امر مذهبی و درد سرهای خانوادگی دولت‌آبادی ۱۰۶

ب) در عرصه‌ی سیاست ۱۰۸

ج) در عرصه‌ی آموزش و تعلیم و تربیت نوین ۱۱۵

۱. چگونگی ورود به عرصه‌ی معارف ۱۱۵

۲. انجمن معارف ۱۱۷

۳. موانع گسترش تعلیم و تربیت جدید ۱۱۹

۴. موانع پیشبرد اصلاحات آموزشی امین‌الدوله ۱۲۱

۵. امین‌السلطان و معارف جدید ۱۲۲

۶. تلاش آفانجفی برای براندازی معارف جدید ۱۲۳

۷. تلاش برای کاهش فشار روحانی‌های سنتی علیه مدرسه‌های جدید ۱۲۴

۸. مدرسه‌ی سادات ۱۲۵

۹. آموزش و تعلیم پس از مشروطیت ۱۲۷

۱۰. رفتار روحانی‌ها در برخورد با آموزش‌های نوین ۱۲۹

۱۱. اصلاح خط ۱۳۱

۱۲. دولت‌آبادی و تربیت زن‌ها ۱۳۳

۱۳. وصیت‌نامه‌ی دولت‌آبادی به دانش‌آموزها ۱۳۵

۱۴. کارنامه و فهرست آثار دولت‌آبادی ۱۳۶

فصل دوم: نقدی بر اندیشه و عمل روحانیت ۱۳۹

اشاره ۱۳۹

الف) ایران و قوای روحانیت آن ۱۳۹

۱. مرجعیت ۱۴۰

۲. تقسیم‌بندی روحانیت ایران ۱۴۱

۳. روحانیت و رقابت بر سر مسائل دینی ۱۴۵

۴. قوای مختلف منشأ پیدایش روحانی‌نمایان ۱۴۶

۵. از لاب‌لاط سروطیه و رویارویی قوه‌ی سیاسی با روحانیت ۱۴۶

۶. اصول دین‌پرستی و حقوق بین‌الملل در اسلام ۱۵۳

۷. وضعیت عدلیه ۱۵۵

۸. آسیب‌شناسی رفتار بهبهاری: جملات و آمیختگی دین با سیاست ۱۵۶

۹. اشتغال و ارتزاق روحانیت ۱۵۸

۱۰. دموکرات‌ها، اعتدالیون و روحان دینی ۱۵۹

۱۱. تأمل در مسائل ایران پس از سفر به اروپا ۱۶۰

۱۲. تحلیل دولت‌آبادی از نقش مذهب در عثمانی ۱۶۳

۱۳. اتحاد اسلام و عثمانی‌ها ۱۶۵

۱۴. نمایشگاه کالاهای وطنی و دفاع از اختلاط زن‌ها و مردان ۱۶۶

۱۵. نگاه دولت‌آبادی به مدرس ۱۶۷

۱۶. سردارسپه و روحانی‌نمایان ۱۶۸

۱۷. مکتب شدن دولت‌آبادی یا بیرون آمدن از لباس روحانیت ۱۷۲

ب) جمع‌بندی: ارزیابی و تحلیل ۱۷۳

بخش سوم: شریعت سنگلجی، منادی یکتاپرستی و بازگشت به قرآن ۱۸۳

فصل اول: قرآن به عنوان محور اصلاح دینی و انکار رجعت ۱۸۵

الف) زیست‌نامه ۱۸۵

ب) کتاب‌شناسی شریعت سنگلجی ۱۹۶

ج) کلام: فهم قرآن ۱۹۶

۱. اهیت و ضرورت تفکر در قرآن ۱۹۷

۲. روش ولایت‌پرد قرآن ۱۹۸

۳. قرآن تریف شده است ۲۰۱

۴. مقصد دین از قرآن ۲۰۲

۵. قرآن دربردارنده‌ی مسائل است که به دین ارتباط دارد ۲۰۳

۶. اساس قرآن، توحید در باده است ۲۰۴

۷. قرآن قابل فهم است؛ اما درک آن نیازمند یک رشته مقدمات است ۲۰۵

د) وحی و نزول جبرئیل ۲۱۲

ه) محال‌موهوم: گفتاری در مرگ پیامبرها و انکار رجعت ۲۱۴

۱. مرگ عیسی و سایر پیامبرهای الهی ۲۱۵

۲. واکنش‌هایی نسبت به مسئله‌ی رجعت ۲۱۹

۱. ۲. رد رجعت ۲۱۹

۲. ۲. دفاع از رجعت ۲۲۵

۳. ۳. واکنش عبدالکریم حائری به مسئله‌ی رجعت ۲۲۷

فصل دوم: یکتاپرستی و مبارزه با مظاهر شرک ۲۲۹

الف) یکتاپرستی و دشواری‌های آن ۲۲۹

۱. علت نگارش کتاب ۲۳۲

۲. قرآن و عقل در اندیشه‌ی شریعت ۲۳۴
۳. خلاصه‌ی توحید و بندگی خدا ۲۳۶
۴. ادله‌ی قرآن بر اثبات خالق جهان ۲۳۹
۵. اقسام شرک و مصادیق آن ۲۳۹
۶. توحید مبدأ فضایل است ۲۵۴
۷. آسیب‌شناسی توحید: تأملی در پیدایش شرک و خرافه در اسلام ۲۵۵
- ب) مبارزه با خرافه‌ها در دوره‌ی رضاشاه ۲۵۷
- ج) حرمت موسیقی، مجسمه‌سازی و نقاشی ۲۶۰
۱. گفت‌وگو با تاگور، شاعر و فیلسوف هندی ۲۶۱
۲. روش‌شناسی تحلیل نهایی ۲۶۱

بخش چهارم: حکم‌زاده و اصلاح دینی ۲۷۳

- فصل اول: از راه نجات تا مجله‌ی همایون ۲۷۵
- الف) سیری کوتاه در زندگی حکم‌زاده ۲۷۵
- ب) راه نجات: درآمدی بر چهار پدیده‌ی شوم اجتماعی ۲۷۸
- ج) مجله‌ی همایون ۲۸۱
۱. رنج‌های بیهوده ۲۸۵
۱. ۱. لفظ بی‌محتوا ۲۸۵
۱. ۲. اروپایی‌گری با آواز دهل ۲۸۶
۱. ۳. علم بی‌عمل ۲۸۷
۱. ۴. چند رنج بیهوده‌ی دیگر ۲۸۹
۲. جن‌گیری ۲۸۹
۳. روحانیت ایران ۲۹۰
۴. بازگشت ما به کجاست؟ ۲۹۱
۵. بهانه‌ی تنبلی ۲۹۱

۲۹۲	۶. رویکردهای اصلاح دینی در مجله‌ی همایون
۲۹۲	۱. ۶. نقد عزاداری
۲۹۳	۲. ۶. اتحاد دینی
۲۹۴	۳. ۶. خدا در اسلام
۲۹۵	۴. ۶. خرافه‌زدایی از دین
۲۹۹	۵. ۶. منبر و روضه‌خوانی
۳۰۱	۶. ۶. افراط و تفریط
۳۰۱	۶. ۶. نیت

فصل دوم: اسرار هزار ساله و پاسخ آیت‌الله خمینی

۳۰۵	درآمد
۳۰۵	الف) دعوت از پیشوایان دین و سمدار به آن‌ها
۳۰۸	ب) اهمیت کشف اسرار
۳۰۹	ج) روش آیت‌الله خمینی در کشف اسرار
۳۱۰	د) مباحث کتاب اسرار هزارساله و پاسخی آیت‌الله خمینی
۳۱۱	۱. خداشناسی
۳۱۸	۲. امامت
۳۲۷	۳. روحانیت
۳۳۲	۴. حکومت
۳۳۶	۵. قانون
۳۳۹	۶. حدیث
۳۴۱	هـ) روش‌شناسی حکمی‌زاده و ارزیابی نهایی

منابع و مأخذ

۳۴۷	۱. کتاب‌ها
۳۵۹	۲. مقاله‌ها

۳. پایان نامه ها ۳۶۳

۴. منابع به زبان انگلیسی ۳۶۴

نمایه ۳۶۵

www.ketab.ir

مقدمه

از آغاز قرن نوزدهم تا در دهه‌های اخیر، موج سهمگین مدرنیته‌ی غربی نه تنها صورت‌بندی و ساختار اجتماعی-سیاسی ایران بلکه نظام فکری و فرهنگی جامعه‌ی ایران هم دستخوش تغییرات فراوان شد. این تغییرات، که پس از جنگ‌های ایران و روسیه ابتدا خود را در قالب نوسازی و اصلاحات آشکار کرد، رفته‌رفته در متن جامعه و حکومت ایران شکاف‌های عمیقی ایجاد کرد. یکی از این شکاف‌ها نزاع روشن‌فکرهای غرب‌گرا با سنت‌گرایان دینی و غیردینی بود که بارزترین نتیجه‌ی آن تلاش برای جدایی دین از سیاست، خرافه‌زدایی از دین و هماهنگ کردن دین با عقل‌گرایی و علوم جدید بود. تلاش روشن‌فکرهایی چون میرزا فتحعلی آخوندزاده، ماکرم‌خان، میرزا آقاخان کرمانی و زین‌العابدین مراغه‌ای از یک سو و اقدام‌ها متفکرهای روحانی و دین‌گرای چون سیدجمال‌الدین اسدآبادی، شیخ‌هادی نجم‌آبادی، نائینی و... از سوی دیگر گویای همین کشاکش‌هاست که به نحوی تا امروز ادامه یافته است. اما در این منازعات هرگز یک موازنه‌ی معقول و منطقی بین روشن‌فکرهای سکولار و نواندیشان دینی پدید نیامد و همواره فشار جریان‌های آزاداندیش، منتقد و سکولار بر نوگرایی و حتی سنت‌گرایی دینی سنگینی می‌کرد.

اگرچه در روند انقلاب مشروطه جریان‌های مزبور به دلیل اقتضاهای سیاسی باهم ائتلاف کردند، اما اتحادشان بسیار سست و شکننده بود؛ زیرا در عمل، ماهیت سکولار

نظام مشروطه و کشاکش سیاسی و فکری پس از آن نیروهای مذهبی را به حاشیه راند و آرمان‌های دین‌گرایانه‌ی رهبرهای دینی را تحت‌الشعاع ایده‌های لیبرال دموکراسی قرار داد. چنان‌که لزوم جدایی دین از سیاست (شرع از عرف یا دین از دولت) به‌عنوان یک آرمان، مورد دفاع و پشتیبانی جریان‌های سیاسی تندرو از جمله حزب دموکرات قرار گرفت و بسیاری از روحانی‌های دگراندیش هم به این باور تن دادند.

با ناکامی جنبش مشروطه گفتمان «استبداد منور» بر فضای سیاسی و فکری جامعه‌ی ایران سایه انداخت و خود را در چهره‌ی دولت اقتدارگرا و مطلقه‌ی رضاشاه متبلور کرد. اما این دگرگونی‌ها نه تنها به معنای پایان منازعات فکری و سیاسی نبود، بلکه تک‌پوی فکری اندیشمندان ایرانی را در بستری متفاوت به حرکت درآورد و به آن رنگ و بوی تازه‌ای داد که نه تنها در آن زمان، بلکه در روزگار ما هم پدیده‌ای بی‌سابقه و کم‌نظیر است. در این فضا نسلی از اصلاح‌گرهای تندرو یا به تعبیر دقیق‌تر دگراندیش‌های دینی ظهور کردند که مشابه آن تا روزگار ما کمتر تکرار شده است. واقعیت این است که حکومت رضاشاه با گرایش‌های ناسیونالیستی، باستان‌گرایی، اقتدارگرایی، سکولاریسم و غرب‌گرایی در مسیر نوسازی و پیشبرد برنامه‌های اصلاحی خود به جنگ نهادهای مذهبی و سنتی نشست تا صورت‌بندی جامعه‌ی ایران را تغییر دهد، ارتش مدرنی پدید آورد، نظام آموزشی و قضایی جدید را جایگزین نظام سنتی پیشین کند، نیروهای اجتماعی ماقبل مدرن از جمله روحانیت، ایلات عشایر و نخبگان سنتی را درهم‌بکوبد و نظام اداری و اجرایی جدید پدید آید.

افزون‌براین، حکومت رضاشاه همگام با این برنامه‌ها تلاش کرد تا سیاست‌های اتحاد لباس، کشف حجاب، برگزاری آزمون برای طلاب و اعیان محدودیت در راه آموزش‌های دینی مثل لزوم اخذ جواز لباس و عمامه و... را به اجرا درآورد. بدین‌سان دولت رضاشاه حوزه‌ی عمل و میدان نفوذ روحانی‌ها را بیش‌ازپیش محدود کرد و قدرتش را به‌شدت کاهش داد. در نتیجه تعداد روحانی‌ها کم شد و قلمرو فعالیت‌های سنتی آن‌ها به‌ویژه در حوزه‌ی آموزش و قضا یا از میان رفت یا به‌شدت تحت نظارت و مداخله‌ی دولت قرار گرفت. برنامه‌ی اصلی رژیم این بود که کارکرد دین را به حوزه‌ی روابط خصوصی انسان و خدا محدود کند و از نقش اجتماعی دین و لاجرم

روحانیت بکاهد.

حکومت رضاشاه کنار تنگناهایی که برای روحانی‌ها ایجاد می‌کرد، میدان تازه‌ای برای فعالیت نیروهای دگراندیش دینی گشود که در مسیر کاملاً متفاوتی از روحانیت سنتی حرکت می‌کرد. این نیروها با نقد پاره‌ای از باورها، رفتارها و اعمال شیعیان از لزوم بازاندیشی آشکار در آن‌ها سخن گفتند و خواستار زدودن پیرایه‌ها و خرافه‌های دینی شدند. آن‌ها در آثار و گفتارشان تفسیرهای عقلانی و جدیدی از دین و آموزه‌های آن ارائه کردند. هدف آن‌ها این بود که دین را با آنچه دنیای جدید اقتضا می‌کند - به‌ویژه با دموکراسی، عقلانیت و سکولاریسم - تطبیق دهند. آن‌ها این اهداف را با نگارش آثار متعدد، به‌ویژه از رهگذر انتشار مطبوعات تحقق بخشیدند و در این مسیر از حمایت حکومت به‌کوتاه به‌خوردار شدند.

این دگراندیشی از دو دیدی متفاوت شکل می‌گرفت: نخست از سوی روشن‌فکرهای سکولار و دوم از سوی روشنفکرانی نه‌گرا و دگراندیش. بدیهی است این رویکردها پیشینه‌ای دراز در تاریخ تفکر دینی اسلام و ایران داشت - اما بدون آنکه متعرض این پیشینه‌ی پر بار شویم - معتقدیم که سعه‌ی آماز این جریان در دوره‌ی مورد بحث ما نخست مجله‌ی «کاوه» بود که بعدها با نشریاتی چون «آینده» و «ایران‌شهر» و سپس مجلاتی چون «پیمان» و «پرچم» کسروی دنبال شد. جریان دوم که خاستگاه حوزوی و روحانی داشت، با انتشار خاطرات یحیی دولت‌آبادی، در «رم به حیات یحیی» و «خاطرات شیخ‌ابراهیم زنجانی» آغاز و با انتشار مجله‌ی «محبوب» و نگارش آثار شریعت سنگلجی و... ادامه یافت. ما هر یک از جریان‌های یادشده را در یک کتاب مستقل به گفت‌وگو خواهیم گذاشت.

البته جریان‌های یادشده برخلاف خط فکری مشخصی که دنبال می‌کردند، نقاط مشترک فراوانی داشتند که مهم‌ترین آن راززدایی از دین و توسعه‌ی عرفی‌شدن یا دنیاگرایی بود. همچنین هر دو جریان در تحکیم مبانی فکری و نوسازی حکومت رضاشاه از یک سو و تضعیف دین و روحانیت سنتی از سوی دیگر موضع مشترکی داشتند و با تفسیرها و اندیشه‌های خود رویاروی جریان اصلی روحانیت عهد رضاشاه - که حوزه‌ی علمیه‌ی قم به رهبری آیت‌الله شیخ‌عبدالکریم حائری نماینده‌ی اصلی آن بود -

قرار گرفتند. بدین‌سان روحانیت سنتی و اصیل به علت تنگناهایی که با آن دست‌وپنجه نرم می‌کرد، تا شهریور ۱۳۲۰ و عوض شدن اوضاع قادر نبود در برابر آن واکنش نشان دهد.

با توجه به آنچه گفته شد، مسئله‌ی اصلی و به تبع آن هدف این پژوهش طرح آراء، دغدغه‌ها و دیدگاه‌های دگراندیش‌های دینی در روزگار رضاشاه است. در واقع این پژوهش در صدد است به این پرسش‌ها پاسخ دهد که دگراندیش‌های دینی روزگار پادشاه رضاشاه چه کسانی بودند؟ خمیرمایه‌ی فکری آن‌ها چه بود؟ مهم‌ترین نقدهای آن‌ها به عقاید دینی رایج و متولیان آن چه بود؟ آن‌ها چه راه‌حلهایی برای حل بحران تفکر دینی آن عصر ارائه کردند؟ مهم‌ترین محورهای اصلاح دینی آن‌ها چه بود؟ آبشخور فکری آن‌ها ریشه در کجا داشت؟ تعامل دگراندیش‌های دینی با حکومت رضاشاه چگونه بود؟ دگراندیش‌های دوره‌ی رضاشاه با بافت و زمینه‌ی تاریخی آن روزگار چه پیوندی داشتند؟

به همین منظور پژوهش حاضر به‌کوشش توصیف مستندی از سه روحانی دگراندیش دینی ارائه دهد، دیدگاه‌ها و نظرات ایشان را شناسایی و دسته‌بندی کند و دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌هایشان را در متن تحولات سیاسی-اجتماعی دوره‌ی پهلوی اول بازتاب دهد تا کاستی‌ها و توانمندی‌های آن آشکار شود و دین‌پژوهان بتوانند با آسیب‌شناسی جریان‌های یادشده، راه را برای پژوهش‌های گسترده‌تر هموار کنند.

بدین‌سان منظور از دگراندیشی دینی، تلاش برای انجام اصلاحات گسترده و عمیق دینی است که با هدف انطباق دین با اقتضاها و دنیای جدید است و درحقیقت معنای جز سازگاری با مدرنیته‌ی غربی و دستاوردهای نظری و علمی آن ندارد. در این عرصه، دین به حوزه‌ی زندگی خصوصی انسان محدود می‌شود و از حوزه‌ی عرصه‌های سیاسی و اجتماعی بازمی‌ماند و متولیان آن آرمان اصلاح زندگی این جهانی را از دست می‌دهند و دین به روند سکولاریسم و عرفی شدن تن می‌دهد و راه‌پذیرش دموکراسی، علم، فناوری و عقل‌گرایی را هموار می‌کند. البته این دگراندیشی از دو زاویه‌ی متفاوت شکل می‌گرفت: نخست، تفسیر درون‌دینی توسط روحانی‌ها و دوم، تفسیر برون‌دینی بود که توسط روشن‌فکرها انجام می‌شد.

پس دیگر دگراندیشی دینی به معنای عبور از ادیان موجود و طرح دیانتی جدید نیست. دگراندیشی به معنای مورد نظر ماهرگز شامل فرقه‌های ضاله و بیرون از اسلام مانند بابیه و بهائیت و مانند آن‌ها- که در دوران قاجار در ایران رواج یافتند- نیست. دگراندیش‌ها در آموزه‌های دینی بر نبوت و توحید تأکید داشتند؛ امامت را منشاء اختلاف می‌شمردند و آن را کم‌اهمیت تلقی می‌کردند؛ شکل‌گیری طبقه روحانیت را مغایر با اساس اسلام می‌شمردند و قرآن را محور اتحاد اسلامی قلمداد می‌کردند.

در واقع دگراندیش‌ها در جهتی مغایر و مخالف با جریان جاری و سنتی دین و متولیان آن کام می‌بردند؛ به عبارت دیگر آن‌ها هر عمل و باور دینی را شایسته‌ی نقد و بررسی‌های انتقادی می‌انستند و در این راه از بسیاری از خط قرمزها عبور می‌کردند و در طرح دیدگاه‌های خود به مراتب تندروتر از نواندیش‌ها و اصلاح‌گرهای روحانی و غیرروحانی بودند و سبب صراحت و جسارت با باورها و رفتارهای دینی درمی‌افتادند که از منظر جامعه دینی و رهبران آن اساساً غیر قابل تحمل بودند و حتی به ضدیت با دین و بیرون رفتن از چارچوب متداول مذهبی متهم می‌شدند. در نتیجه آن‌ها در برابر جریان رایج سببی‌ها چون دو قطب مخالف عمل می‌کردند و بیهوده نبود که یکدیگر را دفع می‌کردند.

تاکنون مطالعه و بررسی این جریان- به دلیل ناکرانی‌های احتمالی ناشی از طرح مجدد اندیشه‌های دگراندیش‌های دینی- با دشواری‌ها و حتی به میلی‌های فراوانی همراه بوده است. به همین خاطر با وجود اهمیت فراوان این موضوع و ضرورت طرح آرای دگراندیش‌های دینی برای اصلاح و بازاندیشی روندهای سیاسی و فکری موجود، به‌ویژه خرافه‌زدایی از متن دین و اصلاح رفتار دینی مومنان و ایجاد سندیس در ایمان ایرانی‌ها، ادبیات پژوهشی این موضوع چندان غنی و پربار نیست؛ زیرا تاکنون تحقیق شایسته و مستندی با هدف طرح تأملات و نقادی‌های دین‌گرایانه‌ی دگراندیش‌های دینی انجام نشده است. البته نباید پژوهش‌های ستایش‌انگیز و درخور توجهی را که تا کنون درباره‌ی دیگر ابعاد اندیشه و عمل دگراندیش‌های دینی شده است، نادیده گرفت. با توجه به آنچه گفته شد، ادبیات پژوهشی این موضوع (یعنی دگراندیشی دینی دوره‌ی رضاشاه و بررسی‌های انتقادی در قلمرو رفتارها و باورهای دینی این دوره) از

چند صفحه فراتر نمی‌رود؛ برای نمونه می‌توان به گزارش چهار- پنج صفحه‌ای احسان طبری در کتاب «ایران در دو سده‌ی واپسین» و کتاب «ایران در زمان رضاشاه» که جریان‌های دگراندیش را تحلیل کرده‌اند و بررسی کوتاه ناصرالدین صاحب‌زمانی در کتاب «دیباچه‌ای بر رهبری» درباره‌ی شریعت سنگلجی اشاره کرد. بررسی تفصیلی‌تر درباره‌ی این موضوع نوشته‌ی رسول جعفریان با عنوان «جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی- سیاسی ایران سال‌های ۱۳۵۷- ۱۳۲۰» است که در چند صفحه به صورت بسیار مختصر، به چهره‌های دگراندیش دینی پرداخته و آن‌ها را جریان‌های «تجدیدنظرطلب» خوانده است.

البته - درباره‌ی برخی از دگراندیش‌ها مانند شیخ‌ابراهیم زنجانی، آثار مستقلی نوشته شده است. شاید مشارکت فعالانه‌ی نام‌برده در محکومیت و قتل شیخ‌فضل‌الله نوری- که محبوبیتی خاص در حافل سیاسی و رسمی جمهوری اسلامی یافته است- انگیزه‌ی مهمی بود تا پژوهش‌گران و علاقه‌مندان به نام‌برده به ارزیابی زندگی و رفتار شیخ‌ابراهیم زنجانی همت گمارند و او را - شاید - طرد و لعن بدانند. از همین رو، می‌توان از کسانی چون عبدالله شهبازی و سید الهام لاریجانی با عنوان «زندگی و زمانه‌ی شیخ‌ابراهیم زنجانی: جستاری از تاریخ تجدیدگرایی» در مجله‌ی «زمانه» و علی ابوالحسنی منذر و کتابش موسوم به «شیخ‌ابراهیم زنجانی: زمان، زندگی، خاطرات به ضمیمه‌ی بحثی در ولایت تکوینی پیامبر و ائمه‌ی معصومین (ع)» یاد کرد که هر دو با رویکردی انتقادی ولی با دیدگاه‌های متفاوت اندیشه و عمل او را بررسی کرده‌اند. همچنین می‌توان از ابوالفضل شکوری یاد کرد که کتاب «ایران و اسلام در انقلاب مشروطیت ایران: زندگی آخوند ملاقربان‌علی زنجانی» را با انگیزه‌ی زیر سؤال بردن مدعیات شیخ‌ابراهیم زنجانی و عمدتاً دفاع از جریان رقیب او- ملاقربان‌علی زنجانی، روحانی مشروعه‌خواه زنجان- نوشت. مباحث مرتبط با شیخ‌ابراهیم زنجانی بخش مهمی از مطالب این کتاب را شکل داده بود که متأسفانه اجازه‌ی انتشار نیافت و در نهایت حذف شد.

بخش دوم کتاب حاوی نگرش‌های درون‌دینی و برون‌دینی روحانی منتقد، میرزا یحیی دولت‌آبادی، است. البته دولت‌آبادی را نه به عنوان یک نظریه‌پرداز و اصلاحگر

دینی، بلکه به مثابه‌ی یک روحانی منتقد و دگراندیش در نظر گرفته‌ایم؛ شخصیتی که با نقد درونی رفتار و کردار روحانیت هم‌عصر خود و گام نهادن در عرصه‌ی آموزش‌های نوین از روحانی‌های پیش‌گام دوره‌ی معاصر محسوب می‌شود. به علاوه همراهی او با روشن‌فکرها و همدلی‌اش با برنامه‌های نوسازی رضاشاه، او را به شخصیتی قابل مطالعه تبدیل کرده است.

بخش سوم حاوی ایده‌ها و اندیشه‌های شریعت سنگدلی است. او میان روحانی‌های دگراندیش - که در این تحقیق از آرای آن‌ها سخن رفته است - معتدل‌ترین شخصیت از منظر اندیشه‌های اصلاحی است و شاید سبک و روشش در جامعه‌ی ایران امروز قابلیت بیشتری برای شرح شدن داشته باشد و هوادارهای بیشتری هم بیابد. او کسی است که نای بازگشت به قرآن و لزوم فهم مجدد و غیرمقلدانه آن را به عنوان معیار و محکم برای پیش‌دینی طرح کرد و بسیاری از باورهای خرافی ایرانی‌ها را در پرتو قرآن به چالش کشید. او همچنین فریاد یکتاپرستی و مقابله با مظاهر شرک را سر داد و تحلیل باورهای شرک‌آمیز را در رفتار ایرانی‌ها برشمرد.

در بخش چهارم آرای یک روحانی تند را که نگاه برون‌دینی دارد و همچون روشن‌فکرهای سکولار، بسیاری از عقاید، باورها و رفتارهای شیعیان را در معرض نقد عقلانی قرار می‌دهد، بررسی کرده‌ایم. او علی‌اکبر حکیم است که با ارزیابی‌های انتقادی‌اش واکنش‌های بسیاری را در محافل سنتی و حوزه‌ی علمیه برانگیخت. بی‌تردید به بار نشستن این مجموعه حاصل همکاری و همکاری جمعی از دوستان و سروران ارجمندم بوده است که در همین جا لازم می‌دانم از بزرگواریا یاد کنم و از زحمات‌های فراوانی که در مسیر این پژوهش متحمل شده‌اند تشکر می‌کنم. در آغاز از حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای سیدهادی خامنه‌ای، رئیس محترم پژوهشکده‌ی تاریخ اسلام که امکان انجام این پژوهش را فراهم آوردند، سپاسگزارم. همچنین مراتب تشکر خود را به آقای دکتر عباس برومند اعلم، مدیر محترم گروه تاریخ جریان‌های فکری جهان اسلام و همکاران محترم‌شان آقایان دکتر زهیر صیامیان و جناب آقای خلیل قویدل ابراز می‌دارم. کنار این بزرگواران مراتب احترام و ارادت

خاص خود را به محضر جناب آقای دکتر داریوش رحمانیان، عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران، تقدیم می‌کنم؛ شخصیتی که با بزرگواری‌های ویژه خود هم زحمت نظارت علمی این پژوهش را به عهده داشتند و هم با راهنمایی‌های عالمانه‌شان ضمن آگاه کردن این جانب نسبت به کاستی‌ها و ضعف‌های علمی این اثر بسیاری از خطاهایم را نادیده گرفتند.

از دوست بزرگوارم جناب آقای دکتر حسن حضرتی، عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران که همواره مستقیم و غیرمستقیم از معرض زحمتهایم در امان نبوده‌اند صمیمانه سپاسگزارم. در پایان از همسر ارجمندم که محیطی آرام برای انجام این پژوهش فراهم کردند و در تایپ آن مرا یاری دادند، از صمیم دل قدردانی می‌کنم.

علیرضا ملاتی توانی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران - مهرماه ۱۳۸۹